نقد: کتابی برای جوانان (مروری بر «هزار توی داستان» ترجمه نسرین مهاجرانی)

مهاجرانی، نسرین

در برابر بازار کم‏رونق کتابهای داستان تألیفی، آثار ترجمه‏ای همچنان پیوسته در حال انتشار است‏ تا کمبود این عرصه را کمتر به چشم بیاورد.اما یک مشکل این کتابها-به فرض آشنایی کافی‏ مترجمان آنها با زبان مبدأ و مقصد-آشنا نبودن‏ بسیاری از مترجمان با قالب و زبان خاص داستان‏ است.به همین سبب،در میان داستانهای ترجمه‏ای، کمتر به اثری برمی‏خوریم که حاوی نکته‏ای تازه‏ در ساختار و پرداخت یا درونمایه‏ای ارزشمند و تفکر برانگیز باشد.جز آن،در میان مجموعه‏ داستانهای ترجمه‏ای که از آثار نویسندگان متنوع‏ تشکیل شده است،اغلب،هدف و اندیشه‏ای‏ مشخص در پشت گزینشها به چشم نمی‏خورد. گویی مترجمان آنها یا تنها به دنبال نامهایی خاص‏ بوده‏اند یا نخستین داستانهایی را که به دستشان‏ رسیده‏است ترجمه کرده‏اند.

یکی از مجموعه داستانهای ترجمه‏ای که به نظر می‏رسد تا حدودی از چنین آثاری متمایز است، «هزار توی داستان»است؛که گویا اولین اثر منتشر شده از مترجم آن،نسرین مهاجرانی است. عنوان کتاب که برگرفته از نام کتابی منتشر شده‏ دربارهء بورخس در گذشته است،همراه با عنوان‏ فرعی«آشنایی با عناصر داستان کوتاه،با داستانهایی‏ از آرتور سی،کلارک،لنگستون هیوز،ایزاک‏ آسمیموف،پرل باک،ساکی و...»برای کسانی که‏ پیوسته به دنبال آموختن نکات تازه‏ای در این زمینه‏ هستند،به اندازهء کافی جلب کننده هست.ضمن‏ آنکه جز این افراد،آثاری از نویسندگان ناشناس‏ برای خواننده ایرانی نیز در این مجموعه،هست. به طوری‏که از دوازده داستان کوتاه این مجموعه، حدود دو سوم آنها از چنین نویسندگانی است.

بر اساس آنچه از شناسنامهء کتاب برمی‏آید، مترجم،خود این داستانها را گردآوری و سپس‏ ترجمه کرده است.علاوه بر آن،ابتکار تقسیم کتاب‏ به بخشهایی همچون«طرح داستان»، «شخصیت‏پردازی»،«زاویه دید»،«صحنه‏پردازی» و«درونمایه»،تقسیم کردن داستانها ذیل این‏ عنوانها،یا پرسشهای آمده در پایان هر داستان،نیز باید از ابتکارها و افزوده‏های همین مترجم باشد. به عبارت دیگر،او کوشیده است به کارش جنبه‏ای‏ «آموزشی»نیز بدهد.به این ترتیب که در مقدمهء آغاز کتاب،«داستان کوتاه»را تعریف کرده،و در ابتدای هر یک از بخشهای کتاب نیز ضمن ارائه‏ معرفی کوتاهی از نویسنده داستان،تعریف مختصری‏ از آن عنصر داستانی را که در آن بخش مطمح‏ نظرش بوده،مطرح کرده است.

در این مقدمه‏ها،البته نکتهء تازهء آموزشی‏ای وجود ندارد،و برخی تعاریف هم از دقت و حتی رسایی‏ کافی برخوردار نیست.به این موضوع،وقتی‏ کم دقتی در نثر یا استفاده از علایم سجاوندی افزوده‏ می‏شود،مشکل خوانندهء جوان و کم دانش در این‏ باره،مضاعف می‏شود.همچنان که،چنین کتابی‏ با دعوی آموزشی،می‏بایست برای آموزش هر یک‏ از عناصر داستانی مطروحه،داستانهایی را برمی‏گزیند که آن عنصر خاص با وضوح،عمق و برجستگی‏ بیشتری-نسبت به سایر داستانها-در آنها مطرح‏ می‏بود.حال آنکه اغلب،چنین نیست.